

پدیده های طبیعی یک حقیقت را ثابت می کنند و آن قدرت خداست، و اینک برخی از این پدیده ها را توصیف می کنیم:
انگور برزیلی درختی است که با بقیه ی درختان جهان فرق دارد، در برزیل می روید و میوه هایش روی تنه ی آن رشد می کنند و از مهم ترین ویژگی های این درخت، این است که (آن) در طول سال میوه هایی می دهد.

درخت سکویا درختی است از بلندترین درختان جهان در کالیفورنیا که گاهی بلندی برخی از آن ها به بیش از صد متر می رسد و گاهی قطر آن به نه متر می رسد و عمر آن تقریباً بیش از سه هزار و پانصد سال می شود.

درخت خفه کننده درختی است که در بعضی از جنگل های استوایی می روید. زندگی را با درهم پیچیدن به دور تنه ی یک درخت و شاخه های آن آغاز می کند، سپس آن را کم کم خفه می کند. گونه ای از آن در جزیره ی قشم که در استان هرمزگان واقع است وجود دارد.

درخت نان درختی استوایی است که در جزیره های اقیانوس آرام رشد می کند. میوه هایی مانند نان درانتهای شاخه هایش حمل می کند (دربردارد). مردم مغز این میوه ها را می خورند.

درخت نفت، درختی است که کشاورزان آن را مانند پُرچینی دور کشتزارها برای نگهداری (محافظت) محصولاتشان از (دربرابر) حیوانات به کار می گیرند؛ زیرا بوی این درخت، ناپسند است و حیوانات از آن می گریزند و دانه هایش حاوی مقداری روغن است که سوختنش سبب خروج هیچ گاز آلوده کننده ای نمی شود. و تولید نفت از آن امکان دارد و گونه ای از آن به نام درخت مداد در شهر نیک شهر در استان سیستان و بلوچستان وجود دارد.

درخت بلوط از درختان کهنسال است و گاهی عمر (آن) به دو هزار سال می رسد. جنگل های زیبایی از آن در دو استان (استان های) ایلام و لرستان یافت می شود. سنجاب برخی از دانه های سالم بلوط را زیر خاک دفن می کند و گاهی جایش را فراموش می کند و در سال آینده، آن دانه ی بلوط رشد می کند و درختی می شود.

امام صادق (ع) فرمودند: کشاورزی کنید و نهال بکارید، .. به خدا سوگند، مردم کاری را حلال تر و پاک تر (خوب تر) از آن انجام ندادند.

صفحه ی ۲۲ : نکات و آژیه نامه

- اَحَلَّ: حلال تر، حلال ترین، اسم تفضیل بروزن اَفْعَلَ، حروف اصلی: ح ل ل
- اشتعال: برافروخته شدن، سوختن، شعله ور شدن، مصدر باب افتعال است. حروف اصلی: ش ع ل / اِشْتَعَلَ يَشْتَعِلُ اِشْتَعَالٌ
- اَطْيَبَ: خوب تر، خوب ترین، پاک تر، پاک ترین. = اَحْسَنَ، اَفْضَلَ، خَيْرَ، متضاداً اَسْوَأَ
- التِّفَاف: درهم پیچیدن، مصدر باب افتعال است. حروف اصلی: ل ف ف / التَّفَّ يَلْتَفُّ التِّفَافُ *توجه: با التِّفَات (برگشتن) اشتباه نشود.

-جذع: تنه، جمع: جُذوع *توجه: با جزء و جمع آن که أجزاء است، اشتباه نشود.

-جَوْزَة: دانه ی گردو، بلوط ومانندان، جمع سالم دارد: جَوَزَات

-خَنَقَ : خفه کرد، ثلاثی مجرد است. خَنَقَ يَخْنُقُ اسم فاعل: خانق(خفه کننده) اسم مفعول: مَخْنُوق(خفه شده، درواقع به کسی اطلاق می گردد که مثلاً به دار آویخته شده باشد).

-سَبَّبَ: سبب شد، باعث شد، حروف اصلی: س ب ب ، ماضی باب تفعیل، سَبَّبَ يُسَبِّبُ سَبَبٌ تَسْبِيبٌ

-مَحَاصِل: محصولات، جمع مَحْصُول

-المحيط: اقیانوس، الهادی: آرام(هر دو اسم فاعل) *توجه: هادی با هادی فرق دارد. هادی از ه د و هادی از ه د ی است.

هَدَأُ : آرام کرد، هَدَى : هدایت کرد.

-مَزَارِع: کشاورز = زَارِع، قَلَّاح *توجه: یا مَزَارِع(کشتزارها) اشتباه نشود.

-مَعْمَر: کهنسال، مُسِنَّ، اسم مفعول از باب تفعیل و باحروف اصلی ع م ر است.

-مُلَوَّث: آلوده کننده، اسم فاعل از باب تفعیل و باحروف اصلی ل و ث است.

-مُؤَاصَفَات: ویژگی ها، مفرد: مُؤَاصَفَة(مصدر باب مفاعلة)

-نَبَّت: روید=نَمَّا، حروف اصلی: ن ب ت، ثلاثی مجرد است. نَبَّتْ يَنْبُتُ

-نَصِيفُ: توصیف می کنیم، وصف می کنیم، تعریف می کنیم، حروف اصلی: و ص ف ، فعل مضارع ثلاثی مجرد با صیغه ی اول

شخص جمع مذکر یا مؤنث است(متکلم مع الغیر). وَصَفَ يَصِفُ(بنا به دلائلی حرف "و" در مضارع حذف می شود).

-نَوَى: هسته = نُبٌّ

ص. ۳۲: درك مطلب:

-در جای خالی کلمه ی مناسبی مطابق متن درس بنویس:

- | | |
|-----------------|------------|
| ۱. بالالتفاف | ۴. مئة |
| ۲. غازات | ۵. أغصانها |
| ۳. مُحَافِظَتِي | ۶. جذع |

ص. ۳۹: التمرين الأول:

-کدام کلمه از کلمه های واژه نامه ی درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟

۱. دریایی تقریباً معادل یک سوم زمین : المحيط الهادی
۲. جمع شدن و دورچیزی گشتن : التفاف
۳. کسی که خدا به او عمری طولانی می دهد : المُعَمَّر

۴. کسی که در کشتزار کار می کند : المزارع

۵. ویژگی های کسی یا چیزی : مواصفات

صفحه ی ۲۹ : نکات متن

-حَبّ: دانه، جمع: حُبوب

-النوی: معطوف به الحَبّ

-يُخرج: فعل و فاعل آن ضمیر مستتر هو، الحَيّ: مفعول، من الميّت: جارومجرور، مخرج: معطوف به فالحق، الميّت: مضاف إليه، من الحَيّ: جارومجرور

ص. ۳۰

-سَطْر۱: عَجائب: جمع عجيب

-سَطْر۲: جمله ی ظواهر الطبيعة .. اسمیه، ظواهر: مبتدا، تثبت: خبر(ازنوع فعل)، هي: مبتدا، قدرة: خبر(ازنوع اسم)، الآن: قيد زمان، جمله ی نصف .. فعلیه

-سَطْر۳: العنب: مبتدا، البرازيليّ: صفت، شجرة: خبر(ازنوع اسم)، تختلف: فعل و فاعل آن ضمیر مستتر هي(نکته ی دیگر تختلف: جمله ی وصفیه برای شجرة(مربوط به درس ۴)), عن باقي: جارومجرور، أشجار: مضاف إليه، العالم: مضاف إليه.

-سَطْر۵: يبلغ: فعل، ارتفاع: فاعل، بعض: مضاف إليه، ها: مضاف إليه، أكثر: مفعول،

-سَطْر۶: يبلغ: فعل، قطر: فاعل، ها: مضاف إليه، تسعة: مفعول

-سَطْر۸: الاستوائية: صفت غابات، تبدأ: فعل و فاعل آن ضمیر مستتر هي، حياة: مفعول، ها: مضاف إليه، بالالتفاف: جارومجرور، حول: قيدمكان، جذع: مضاف إليه، شجرة: مضاف إليه، و: حرف عطف، غصون: معطوف به جذع، ها: مضاف إليه

-سَطْر۹: يوجد: فعل مجهول، نوع: نائب فاعل

ص. ۳۱

-سَطْر ۱: الهادي: صفت محيط

-سَطْر۲: تحمل: فعل و فاعل آن ضمیر مستتر هي، أثماراً: مفعول

-سطر ۳: یستخدم: فعل، ها: مفعول، المزارعون: فاعل

-سطر ۵: لايسبب: فعل، اشتعال: فاعل، خروج: مفعول، أي: مضاف إليه، غازات: مضاف إليه، ملوثة: صفت غازات

-سطر ۹: مُحافِظَتِي: مجرور به حرف جر، إيلام: مضاف إليه، و: حرف عطف، لريستان: معطوف به إيلام

*نکته: مُحافِظَتِي، مُحافِظَتَيْنِ بوده که چون مضاف واقع شده نونش افتاده. اگر مثنی یا جمع سالم مذکر، مضاف واقع شوند نونشان حذف می شود. مانند: جاء معلّمًا المدرسة (بوده: معلّمان- مثنی). جاء معلّمو المدرسة (بوده: معلمون- جمع سالم مذکر). رأيتُ معلّمي المدرسة (بوده: معلّمين- مثنی). رأيتُ معلّمي المدرسة (بوده: معلّمين- جمع سالم مذکر).

-سطر ۹: يَدْفِنُ: فعل، السَّنَجاب: فاعل، بعض: مفعول، جوزات: مضاف إليه، البَلوط: مضاف إليه، السّليمة: صفت برای جوزات،

تحت: قيد مکان، التراب: مضاف إليه

-سطر ۱۲: ازرعوا: فعل امر و فاعل آن ضمير واو، اغرسوا: فعل امر و فاعل آن ضمير واو، واللّه: جار و مجرور (قسّم)، ماعمل: فعل،

الناس: فاعل، عملاً: مفعول، أحلّ: صفت برای عملاً، و: حرف عطف، أطيب: معطوف به أحلّ، منه: جار و مجرور / أحلّ و أطيب: هردو اسم تفضيلند.

والسلام

حقيقي